

قابل توجه دانشجویان اهل قلم و علاقه مند به فعالیت های رسانه ای نشریه گفتمان نیروی دغدغه مند و متعهد می پذیرد. جهت اعلام همکاری از طریق راه های ارتباطی زیر اقدام نمایید:

۰۹۱۳۷۷۲۲۹۹۴  
@Muhamadmehdi78  
@khuisa49



مهرماه ۱۳۹۹ | شماره: ۲۴۶

# گفتمان

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خوارزمی

مدیرمسئول: محمد مهدی خداوردی | سردبیر: نسترن قنبری

هیئت تحریریه: علی عباسیان - محمد مهدی خداوردی -

هدیه مولیاری - وحید نجفی - حسین امیدی

کار یکتوریست: سیده فاطمه سرخان

طراح نشریه: مسعود محمدی



درخواست می کنم به این دانشگاه بیاوند و پای صحبت این دانشجویان دردمند خوارزمی بنشینند؛ ما همچنان امیدواریم که ان-شالله حق الناسی که سال هاست نادیده گرفته شده است، مجدداً به مسیر اصلی خود بازگردد و به زودی به سرانجام برسد.

و اما عزیزان... از اینجای این رنجنامه روی صحبت من تنها با خودمان است. باید بگویم این گره تنها به دست ما دانشجویان باز خواهد شد! تنها ما هستیم که از همه اقشار دانشگاهی مستقل تریم و دلسوز واقعی دانشجو و دانشگاهیم! این تنها ما هستیم که میزبان نداریم که بخواهیم برای حفظ آن ملاحظه کاری کنیم و یا ترسیم! این تنها ما هستیم که آینده نگریمان به دور از منافع شخصی با شاخصه های علمی، پاک و با دورنگاهی دقیق توأم شده است. این تنها ما هستیم که حاضریم تا پای هر چیزی برویم ولی از احیای حق دست بر نداریم. آنچه که تاکنون مانع به سرانجام رسیدن این مطالبات بود، ملاحظیات و ریسکناپذیری برخی مسئولین، چه در این سوی مطالبه و چه در آن سوی مطالبه بود! پیش خودشان لابد می گفتند: چرا ما چنین کاری کنیم و هزینه اش را بپردازیم، بگذاریم برای نفرات بعد که بر این صندلی ها می نشینند. آنچه که مانع احداث ایستگاه خوارزمی است نه مشکلات فنی است و نه نبود بودجه و نه اینکه ضرورتی نباشد، بلکه نبود یک صدای محکم، واحد و دائم است که تا این مطالبه را به مرحله عمل برساند! البته طی این ده دوازده سال این مورد هم برای دانشجویان محرز شده بود و انصافاً هم در این یک سالی که گذشت این شماها بودید که حاضر بودید، بروید روی ریل های قطار بخواهید و از جان خود مایه بگذارید تا احیای حق شود و قطار جدیدی که می آید، بدون توقف در این ایستگاه به هشتگرد نرود. من این ها را دیده ام، شنیده ام، می دانم و می نویسم تا شرمسار آیندگان این دانشگاه باشیم. در سالی که گذشت تا آمدیم خروش کنیم وعده دادند با سکو موافقت شده است ولی سکویی احداث نشد! تا آمدیم خروش کنیم گفتند شما فعلاً کار را خراب تر نکنید بگذارید رئیس جمهور بیاید افتتاح کند، شنبه بیاید دفتر ایشان حتماً حتماً رسیدگی می شود؛ ما در همان شنبه رفتیم آنجا و همه دردها ما را گفتیم اما آنها هیچ اقدامی نکردند! تا آمدیم تجمع کنیم دست تقدیر به یکباره بنزین را گران کرد و تجمعات به کلی آتش گرفت و امنیتی شد! تا آمدیم مجدداً کاری کنیم سردار عزیزمان به شهادت رسید! تا آمدیم خروش کنیم تجمعات دی ماه به راه افتاد و باز هم همه چیز به حاشیه رفت... و بالاخره هی صبر کردیم و هی صبر کردیم و هی صبر کردیم تا رسیدیم به اتفاقی که نباید: حالا هر تجمعی به واسطه این ویروس منحوس، امنیت سلامت ما را به خطر خواهد انداخت؛ حالا اگر حتی بخواهیم تجمعی هم نکنیم، دانشجویی در دانشگاه حضور ندارد! خلاصه اینکه آنچه که تاکنون جلوی این «ما» را گرفته بود: وعده و وعید بود و اتفاقات جدا غیر مترقبه ای که نگذاشت جمعیت ما در این یک سال که گذشت، ایستگاهش را یک صدا فریاد بزند! شاید مسئولان ندانند ولی من خوب می دانم که شماها چقدر نگران بودید؛ چقدر آمدید، چقدر گفتید، چقدر خواستید کاری انجام دهید و من به نوبه خودم بخاطر آن وقت خریدن های از شماها تا اینکه مسئولین دیپلماسی و مکاتباتشان آسیب نبیند، بسیار شرمسار و عذر خواهم و امیدوارم این شرمساری به نسل های بعد کشیده نشود و هر چه زودتر شاهد احداث ایستگاه دانشگاه خوارزمی باشیم. و در کلام آخر: عزیزان دانشجو، تنها راهکار توقف قطار در این ایستگاه و بازگشت از این خروج، مطالبه ای اینبار، همصدا و بدون واسطه است! باید جمعیت ما به میدان بیاید و حق دانشجویان امروز و فردای این دانشگاه را یک صدا مطالبه و احیا بکنند. همه ما منتظر هستیم تا اولین روزی که دانشجویان به این دانشگاه باز می گردند و دیگر برای هر بهانه ای از سوی مسئولین، هیچ مصلحتی نخواهیم دید. ما همگی تا پای ایستگاه مترو خوارزمی خواهیم دوید و از هیچ خطری در این مسیر نمی ترسیم!

علی عباسیان  
دبیر سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خوارزمی



## خروج از مترو!

پرونده ایستگاه مترو خوارزمی از سیر تا پیاز

است! از سویی دیگر باید گفت این پروژه فراز و نشیب های زیادی را هم تجربه کرده است؛ به طوریکه در برهه های آقای آخوندی وزیر وقت راه و شهرسازی کتبا موافقتشان را با احداث ایستگاه خوارزمی اعلام کرده و در دستور اقدام قرار داده بودند، ولی در ادامه همین دستور باز هم پس از تأیید امکانات فنی توسط مشاورین سنا و طرح و تأیید آن در شورای ترافیک استان ناگهان مجری طرح شرکت عمران شهر جدید هشتگرد، محل ایستگاه را جابه جا می کند: انگار دست پشت پرده قدرتمندی وجود دارد تا پروژه ایستگاه خوارزمی را هر بار از ریل اصلی آن خارج کند! دانشگاه خوارزمی برای احداث این ایستگاه، هم هزینه اعتباری کرده و هم زمین هایش را داده اما آنچه که تاکنون نصیبش شده از خراب کردن شبانه دیوارها گرفته تا از دست دادن زمین ها، احداث نکردن سردر دانشگاهی وعده داده شده و کور شدن دسترسی اتوبان، همه اش تنها ضرر بوده است و ضرر بوده است و ضرر... در چند ماه اخیر با بررسی طرح حالا افتتاح شده مترو تهران هشتگرد متوجه ضعف های این طرح هستیم که یکی از آن ها همین عدم در نظر گرفتن ایستگاه تقاطعی با خط مترو شهری کرج در محل تقاطع حصارک است که بی تردید باعث افزایش ترافیک در ایستگاه های کرج و گلشهر خواهد شد! اعتبار مضاعف دانشگاه، دسترسی دانشجویان به اتوبان، کاهش زمان سفر، افزایش رفاه و البته در یک گام فراتر و بلنداندیشانه تر سودآوری فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای این استان و این بخش از شهر همگی در گروی افزایش اعتباری دانشگاه است که ما را بر آن داشت تا هم قسم شویم که تا آخر این پروژه بایستیم و تا به ایستگاه نرسیدیم متوقف نشویم... البته در این مسیر با موانعی روبرو شدیم و روبرو هستیم! رفتیم و آمدیم و مطالبه کردیم و نامه نوشتیم و طومار و شعار و بحث و... اما مشکلاتی بر سر ریل قطار خوارزمی قرار دارد که می بایست برای برگشتن قطار به این ایستگاه آن ها را به خوبی ریشه یابی و بررسی کرد! به طور مثال طومارهای ما به دست جناب رئیس جمهور رسید اما اثر نکرد؛ نامه های و گله های ما به گوش وزیر و دیگر مسئولین ذی ربط رسید اما اثر نکرد؛ حتی وقتی این مسئله در جلسه شورای تأمین استان هم مطرح شد، باز هم هیچ اتفاقی نیفتاد و کاری پیش نرفت! راستش من این را فهمیده ام که همه مسئولین از بزرگ تا کوچک ترین آن ها، ضرورت احداث ایستگاه و یا در بدبینانه ترین حالت احداث یک سکو را قبول دارند اما واقعا چه دست قدرتی مانع احداث این ایستگاه مترو شده است؟! با اینکه همه ما از این نامه بازی ها خسته شده ایم یکبار دیگر به نمایندگی از تمام این زمان ها و قصه ها که سپری شد و به نمایندگی از همه دانشجویانی که طی این سال ها اینجا بودند، هستند و تمام آن دانشجویانی که سال ها بعد به این دانشگاه قدم می گذارند از نمایندگان تازه نفس دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی حوزه استان البرز آقایان حدادی، عسگری و عباسی عاجزانه تقاضا دارم این درد دسته جمعی ما را که نفعی بی دلیل را برای این استان به همراه خواهد داشت پیگیر بشوند؛ همچنین از ایشان

در برهه هایی کار به تجمعات بزرگ چندین صد نفره هم کشیده شده بود. نتیجه این مطالبات هم با جابه جایی های متعدد در عوامل دانشگاه، شهرداری، استان داری، دولت و... به جز وعده های پوچ و تو خالی نبود که به مرور زمان کار به جایی رسید که این کشمکش «ایستگاه می دهیم، ایستگاه نمی دهیم» از زبان افراد موثق و غیرموثق شنیده می شد. از جمله این مطالبات نامه ها و جلسات متعددی بوده که بین دانشجویان و دانشگاهیان با مسئولین شهرداری و استانداری برگزار می شد و تا دفتر مشاور رئیس جمهور هم کشیده شد اما تا همین لحظه که ما خبر داریم نه این جلسات ثمربخش بوده و نه به طومار و نامه ها و مصاحبه ها و... پاسخ درستی داده شده است! مثلاً یکبار آمدند گفتند علت نزدن ایستگاه، نداشتن صرفه اقتصادی است در حالی که بازگشت سرمایه ایستگاه دانشگاهی به مراتب بسیار بیشتر است از شرکت خصوصی ای است که در چندین کیلومتر آن طرف تر چون پول داده است، برایش ایستگاه زده اند. بار دیگر آمدند گفتند این ایستگاه مشکلات فنی و مهندسی دارد و قابل احداث نیست که آوردن چنین توجیهی هم بسیار جای تاسف داشت، بلکه حتی چند شرکت مشاور فنی و مهندسی با بررسی شرایط ایستگاه، تاییده لازم را صادر کرده و این دلیل هم تقریباً برای همه مهندسیان آگاه به این پروژه، تنها بهانه ای رنگ باخته تلقی می شود. چندی گذشت و در همین اواخر که نزدیکی های افتتاح خط مترو تهران هشتگرد بود، آمدند گفتند الان دیگر احداث این ایستگاه ممکن نیست شماها دیر اقدام کردید که دیگر این دلیل، نوبت همه دلایشان بود! همچنین گفتند ولی برایتان یک سکو می زنیم و شما مانع افتتاح ایستگاه نشوید که ما همکاری کردیم ولی خبری از سکو هم نشده است! خلاصه اینکه دلایل متعدد و بهانه های این دستی بارها و بارها از سوی مسئولین مربوطه و غیرمربوطه شنیده می شد و انگار هیچ کس دوست ندارد هزینه ای بکند و تمام قد پای این کار بیاید تا نفعی دسته جمعی حاصل شود. واقعیت نانوشته ای تحقیقا وجود دارد که ایستگاه خوارزمی با این نوع پیگیری ها تنها از سالی به سالی دیگر پاس کاری شده و هرگز ایجاد نخواهد شد. البته اگر به گذشته کمی دقیق تر نگاه بکنیم: در همان سال های ابتدایی مطرح شدن طرح متروی هشتگرد، دانشجویان و دانشگاهیان پای مطالبه ایستگاه مترو خوارزمی ایستادند تا نهایتاً وعده ایستگاه خوارزمی به ایشان داده و قراردادی نیز بسته شده بود ولی انگار با گذشت زمان هر بار این ایستگاه از دستور اجرائیات خارج شده و صدای کسی هم آن طور که می بایست، در نیامد. دردآورترین قسمت ماجرا آنجاست که در راستای عملی شدن آن وعده و وعیدها، دانشگاه خوارزمی ۵۵ هزار متر مربع از زمین ضلع اتوبان را کاملاً مجانی در اختیار این پروژه گذاشته است که اگر آن را می فروخت با سرمایه حاصل از فروش زمین می توانست تحولاتی بنیادین را در دانشگاه به وجود بیاورد ولی حالا نه تنها ایستگاهی برایش نزنند، درب اصلی سمت اتوبان را هم کور کرده اند و اکنون دسترسی از اتوبان برای دانشگاهیان غیر ممکن شده

قبل از اینکه این مطلب را بخوانیم و چیزی از قصه ایستگاه مترو دانشگاه خوارزمی بدانیم اگر همین دو سه کلمه عنوان را گوگل کنیم متوجه اخبار گوناگون و جنجالی حول آن خواهیم شد. دانشگاه خوارزمی به عنوان اولین و پر قدمت ترین مرکز آموزش عالی کشور که حالا جشن ۱۰۰ سالگی اش را هم پشت سر گذاشته، دارای ۱۴۰۰۰ دانشجو، ۵۰۰ عضو هیات علمی و حدود ۹۰۰ کارمند است که واحد کرج آن، در یکی از شلوغ ترین و پر حاشیه ترین محله های آن از لحاظ ترافیکی، فرهنگی و اجتماعی یعنی محله حصارک واقع شده است. این دانشگاه قطب علمی بدون منازع و از سرمایه های اجتماعی استان البرز، دارای دستاوردهای بسیاری در حوزه های مختلف علمی، پژوهشی، اقتصادی، فن آوری و... می باشد که به دلیل ارتباط مستمر با واحد تهران، روزانه دارای هزاران سفر، بین این دو کلان شهر است. مضاف بر این انبوه سفرهای دانشگاهیان و دانشجویان از این نقطه حساس، سفرهای متعدد شهروندان منطقه پر جمعیت حصارک و شهر کمالشهر را هم در نظر بگیرید که با جمعیتی حدود ۷۰۰ هزار نفر، صف های طولانی اتوبوس ها، ون ها، ماشین های شخصی و... را در چندان شلوغ کرده که تلفیق این بلشوی حمل و نقلی با اشکالات و چالش های جدی طراحی هندسی میدان حصارک، نداشتن ایمنی کافی، عدم رعایت قوانین رانندگی توسط رانندگان، حضور خرده فروشان، معتادان و متکدیان، روشنایی نامناسب و چالش های اجتماعی پر سابقه و مشهود در این نقطه، آن را به یکی از نا امن ترین نقاط ترافیکی و اجتماعی استان تبدیل کرده است که طی این چند سال اخیر مطابق با آمار، پرحادثه ترین منطقه ترافیکی نیز شناخته شده و تاکنون چندین تصادف جرحی و غیر جرحی را متأسفانه برای دانشجویان این دانشگاه به همراه داشته است. این نا امنی ها همواره مورد توجه و دغدغه تمامی دانشگاهیان از گذشته تا به حال بوده که به همین علت نیز به طور مستمر هزینه هایی به این دانشگاه تحمیل شده است. برای فهم خطرات اجتماعی منطقه کافی است روزهای شلوغی های سال ۹۸ را به یاد بیاوریم و تظاهراتی که در پشت دیوارهای این دانشگاه به پر رنگ ترین شکل ممکن و با بیشترین تخریب نسبت به بقیه نقاط استان بلکه کشور جریان داشت که به طور صد در صد تردد دانشجویان و کارمندان از این نقطه را مختل و آنان را برای مدت نزدیک به یک هفته مجبور به حبس دانشگاهی کرده بود. همه و همه این دلایل مقدمه ای است تا بتوانیم ضرورت ایجاد ایستگاه مترو را برای دانشگاه خوارزمی بررسی و درک کنیم؛ اگر این ایستگاه احداث شود که باید هم چنین بشود بسیاری از این مشکلات رفع خواهد شد. اما برسیم به اصل این قصه. ماجرای ایستگاه متروی دانشگاه خوارزمی تقریباً از همان سال های ابتدایی ۸۷ که قرار بود خط مترو تهران هشتگرد از کنار درب اتوبان دانشگاه خوارزمی عبور بکند، کلید خورد. از همان زمان ها با توجه به ضروریاتی که به بخشی از آن نیز اشاره شد، با جدی شدن این پروژه، مطالبات ایجاد ایستگاه مترو از سوی مسئولین دانشگاه و دانشجویان وقت به طور جدی آغاز شد و حتی



## ما در پنجاه سال آینده

داخل اینستاگرام که می‌روم مبینم اغلب مردم یا دارند به مسائل و مشکلات کشوری می‌پردازند یا اینکه اتفاقات و روزمرگی خود را به تصویر می‌کشند که اخیراً مورد اولی بیشتر شده. خوب میدانیم دوره دوم آقای روحانی بسیار جنجالی و پر از اتفاق‌های ناگوار بود، طبیعتاً مردم حق دارند به عملکرد ایشان پاسخ بدهند که این پاسخ‌ها هم گاهی در فضای مجازی است و گاهی هم همچون سال‌های ۹۶ و ۹۸ در فضای واقعی بود. آنچه من از دور دیدم، دود این مشکلات همیشه در چشم مردم می‌رفته و خواهد رفت و آقایان هیئت دولت رئیس‌جمهور، سیاست‌های کلان خود را هیچ‌گاه عوض نکردند. حال در این یادداشت قصد ندارم به بدیهیات بپردازم، دوست دارم نکته‌ای را که شاید به عقیده من از نگاه مردم پوشیده مانده را عرض کنم.

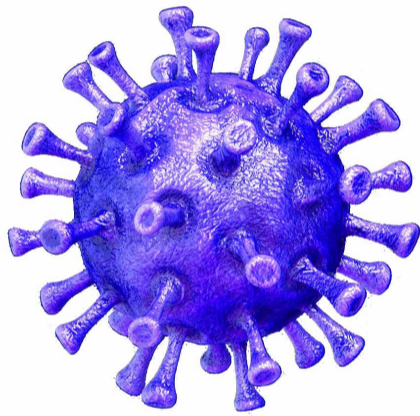
در این چند سال اخیر که کشور به طرف صلح با غرب پیش رفت و برجام منعقد شد روحیه مستقل بودن و خودکفایی چه در بین مردم و چه در بین مسئولین کاهش یافت و پس از پاره شدن قرارداد برجام، امید چشم دوختگان به مرحمت آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به ناامیدی تبدیل شد. پس از این ماجرا طرفداران صلح با غرب عبرت نگرفتند و همچنان امیدوارند به جای ترامپ نفر دیگری بیاید تا بتوانند دوباره برجامی دیگر به امید حل شدن مشکلات و رفع تحریم‌ها امضا کنند. حال آنچه من را ناراحت می‌کند این است که در رسانه‌ها اغلب القا می‌شود ما توانایی مقابله با تهدیدات و تحریم‌ها را نداریم و چاره‌ای جز مذاکره باقی نمی‌ماند؛ برخی جریان‌ها با نامید کردن مردم سعی دارند دوباره سیاست‌های غلط خود را ادامه دهند، اما آنچه در این چهل سال تجربه کرده‌ایم خلاف این گزاره بوده است. کشور در حوزه‌های علمی فراوانی علی‌رغم مشکلات اقتصادی توانسته است پیشرفت کند و هر جا ضعفی هم دیده می‌شود به خاطر اتکا نکردن به توانایی‌های جوانان و مردمان بوده است و مذاکره به جز تلف کردن وقت و خسارت‌های سنگین چیز دیگری برای ما بر جا نگذاشته است. مسئله غم‌انگیزتری که می‌بینم این است که ذهن مردم به خاطر این ناراحتی‌ها مشغول شده و شاید همچون قبل با انگیزه تلاش نمی‌کنند یعنی دائماً حرف و جدل جای عمل را گرفته است، به عنوان مثال من خودم هر روز اخبار را دقیق دنبال می‌کنم که ببینم چه اتفاق جدیدی در انتظار ماست و این بخش زیادی از وقت من را تلف می‌کند در حالی که بسیاری از کشورها دارند با جدیت کار می‌کنند و در زمینه‌های علمی پیشرفت می‌کنند. در این برهه زمانی ما درگیر مسائل داخلی هستیم البته پرداختن به این مسائل اگر متمرکز باشد اشکالی ندارد اما اینطور که دائماً در اینستاگرام و صفحات مجازی شاهد جنجال و درگیری‌های بی‌هدف هستیم قطعاً تمرکز و انرژی زیادی از مردم ما تلف می‌شود و ما را از اهداف اصلی‌مان باز می‌دارد. امیدوارم ان شاء الله بتوانیم وظیفه حقیقی خود را پیدا کنیم و با انگیزه آن را دنبال کنیم تا با عزت و قدرت از پس مشکلات فائق آییم.

محمد مهدی خادوردی  
کارشناسی زیست فناوری / دبیر نشریه

مسافرت در وضعیت قرمز یا هشدار قرار گرفتند و شاهد افزایش مبتلایان هستیم و هم‌اکنون شاهد موج سوم بزرگ ابتلای به کرونا می‌باشیم و جان کادر درمان را در معرض خطر بیشتر قرار می‌دهیم. همچون همیشه رسانه‌های غربی باز هم شروع به فرافکنی می‌کنند و این اپیدمی ناشی از مراسم‌های مذهبی عنوان می‌شود، البته آن‌ها ابتدا به فکر ما نیستند زیرا خود با اینکه ادعای خیرخواهی دارند، بیشتر به این بیماری گرفتار شده‌اند. از حق نگذریم واقعا طیف عزادار امام حسین(ع) همت کردند و پروتکل‌ها را رعایت کردند گرچه میدانیم در بعضی از مراسم‌ها دستورات بهداشتی رعایت نشد اما این که بگوییم چون هیئت‌ها رعایت نکردند (ولو کم) پس ما هم رعایت نکنیم یا مسافرت‌های خود را توجیه کنیم عین بی‌انصافیست. ما ملزم به رعایت از دستورات ستاد مقابله با کرونا هستیم و برگزاری هیئت‌ها هم امری غیرقانونی نبود و همین ستاد مقابله با کرونا مصوب کرد و مسافرت‌های غیرضروری اشکال دارد همان‌گونه که مراسم‌های عزاداری بدون پیروی از دستورات بهداشتی اشکال دارد مطمئناً نتیجه عمل ما به خودمان و عزیزانمان هم بازمی‌گردد لذا این بحث نباید به دعوا و لجبازی کشیده شود، هیچکس دوست ندارد عامل مرگ و میر مردمان کشورش باشد اما متأسفانه گاهی ما فراموش می‌کنیم و این امر را به حاشیه می‌کشانیم به هر حال هنوز کرونا پایان نیافته و همچنان باید تابع دستورات ستاد مقابله با کرونا باشیم، اگر فعلاً راه حلی برای از بین بردن کرونا به ذهن‌ها نمی‌رسد شاید با رعایت دستورات بهداشتی بتوانیم حداقل فشار این مسئله را بر روی کادر درمان کاهش دهیم و سرمایه‌(پولی، جانی و زمانی) بیشتری را حفظ کنیم.

محمد مهدی خادوردی

کارشناسی زیست فناوری / دبیر نشریه



## جدل بیهوده به نفع کرونا

(به جز چند مراسم مانند شیرخوارگان، نخل گردانی و... که ممنوع شد) بنابراین دوستان عزادار تصمیم گرفتند تا با رعایت دستورات بهداشتی مراسم سوگو را برپا دارند، در همین حین تعدادی پروتکل جدید، که نمایانگر ستاد مقابله با کرونا صادر شده بود یا مقام‌های استانی اضافه کرده بودند، به پروتکل‌های قبلی افزوده شد مانند ایجاد کردن ورودی(اتاقک) ضدعفونی کننده، فرش آغشته به مواد ضدعفونی کننده، پلاستیک برای قرار دادن کفش‌ها، توزیع ماسک رایگان به عزاداران، مواد خوراکی بسته بندی شده در پلاستیک و ...

آنچه روشن است عزاداران واقعی امام حسین(ع) تمامی نیروی خود را برای پیروی از دستورات به کار بردند و در شهر ما مراسم بر روی چمن زمین ورزشی برگزار شد؛ پس عزاداری با رعایت پروتکل‌های بهداشتی شدنی بود و الحمد لله بنده موردی از ابتلای کرونا در این مراسم شهر، ندیدم. حال مسئله این است که اگرچه سخت‌گیری دقیقی بر روند مراسم‌های عزاداری صورت گرفت اما نظارت جدی بر روی مسافرت‌های نامعقول و زیاد شهروندان انجام نشد به طوری که اغلب شهرهای خنک و مناسب برای

«... همینطور مدت هاست که هرکسی به چیزی راجع به محرم می‌گوید، اما آن چیزی که بنده می‌خواهم تاکید کنم این هست که در عزاداری‌ها معیار آن چیزی است که کارشناسان بهداشت به ما می‌گویند، ستاد ملی مبارزه با کرونا؛ بنده خودم شخصاً هر چه را که آن‌ها لازم بدانند مراعات خواهم کرد، توصیه من و تاکید من برای همه کسانی که عزاداری می‌خواهند کنند این است که هر کاری می‌کنید ببینید ستاد ملی کرونا چه می‌گوید یعنی چنانچه ضابطه‌ای را معین کرد ما همگی موظفیم آن را رعایت کنیم. مسئله مسئله کوچکی نیست خدای ناکرده اگر چنانچه همین مقدار مراقبتی را که الان وجود دارد شل گرفته شود فاجعه‌ای رخ خواهد داد که آن سرش ناپیداست...»

سخنان رهبر در مورد شیوه صحیح عزاداری، همگی ما را موظف به پیروی از پروتکل‌های بهداشتی کرد و باب هر گونه بی‌ملاحظه بودن، لجبازی یا سهل‌انگاری بسته شد. پس از سخنان رهبر ما منتظر دستور العمل‌های بهداشتی ستاد مقابله با کرونا بودیم، آن چه مصوب شد این بود که برگزاری مراسم عزاداری صورتی که پروتکل‌های بهداشتی رعایت نشود اشکالی ندارد

## بغض‌های خاموش کارگران

روایتی از مظلومیت‌هایی که مورد توجه قرار نگرفته‌اند

به شان انسانی کارگراست ، حالا صاحب کار من عموی خوش اخلاقم بود و باهام با مهربونی تا میکرد اما خیلی از صاحب کارها خیلی بد با کارگراشون رفتار میکردن و بهشون اهانته میکردن من این صحنه‌ها رو به وفور میدیدم . به روز شنیدم که یه مرد کارگر محترم پنجاه ساله به خاطر این که یه کار رو خوب انجام نداده بود پیمانکار بهش توهین کرده بود و تحقیرش کرده و بود و به خاطر همین این مرد داشت اشک میریخت ، گفتن این حرف که یه مرد گریه کنه ساده‌اس اما درک کردنش واقعا سخته ، به جز این یه نکته‌ای که آزار میداد این بود که حتی دستشویی مهندس‌ها و مدیرها و پیمانکارهارو از دستشویی کارگرها سوا کرده بودن و من اصلاً این تیپ بی‌احترامی‌ها تو کتم نمیرفت و متأسفانه وقتی بیشتر دقت کردم دیدم این تیپ کارها و بی‌احترامی‌ها در محیط کارگری عادیه ، خیلی‌ها درد کارگر رو فقط کمبود حقوق و درآمدشون میدونن ، اما به نظر من بی‌توجه به شان انسانی کارگرها خیلی مهمتره که کسی بهش توجه نمیکنه ، و درضمن رسانه‌ها هم متأسفانه خیلی سیاسی به قضیه نگاه میکنند و فقط مطالبه کارگرها رو به خاطر منافع سیاسی‌شون پیگیری میکنند . خیلی کم مسئول یا رسانه‌ای رو مبینیم که واقعا از سر دلشوزی به این عزیزان نگاه کنه .

وحید نجفی زمان / دانشجوی روانشناسی



تو کل زندگیم فقط تو همون یک ماه از مزه غذا انقدر لذت می‌بردم چون کارمون تو اون یه ماه هم عجله‌ای بود و هم سنگین ، مثلاً من شاید در مجموع روزی دو تن بار آهن جابه‌جا میکردم و برش میدادم ، سر همین واقعا خسته و گرسنه میشدم و غذاهایی که شاید تو موقعیت عادی با اکراه میخوردم رو اونجا با اشتها و با نون زیاد میخوردم و البته خیلی هم بهم مزه میداد ، البته به جز این تو اون یه ماه چند مطلب خیلی تلخ رو متوجه شدم ، مطلب اول این بود که حقوقی که به کارگرها میدن واقعا در حد زحمتی که اونها میکشن نیست و متأسفانه این پول کفاف خرج روزانه شون رو هم نمیداد ، اون موقع به کارگری که از صبح تا ساعت پنج کار میکرد روزی پنجاه تومن میداد خود من روزی پنج تومن رو باید هزینه کرایه رفت و امدم میکردم در ضمن به جز خستگی خود کار یک خستگی هم این رفت و آمد و شلوغی وحشتناک مترو داشت ، البته چون خونه ما داخل تهران بود هم کرایه هم خستگی تبعاً از بقیه کارگرهایی که از اطراف تهران میومدن کمتر بود ، در ضمن خیلی از کارگرها مجبور بودن روزی هشت تا ده تومن هم پول نهارشون رو بدن ، با این حساب درآمدشون تو طول ماه به دلیل وجود تعطیلات و خرج ناهار و کرایه راه کمتر از یک میلیون میشد ، من با کل کارم به زور تونستم پول یک گوشی رو دربیارم ، و واقعا به این فکر میکردم اون کارگری که تو اون ساختمان کار میکرد و سه تا بچه داشت و تقریباً اندازه من حقوق میگرفت چیکار میکرد؟ تازه نکته درد آورترش این بود که چهار ماه هم حقوقشون رو نداده بودن، وقتی ازش پرسیدم چرا جایی که کار میکنی رو عوض نمیکنی گفت آخه جای دیگه هم به من کار نمیدن . دیدن این آدم‌های شریف که با این وضع حقوق داشتن کار میکردن برام درد آور بود ، به جز این درد‌ها ، یه نکته‌ای که واقعا من رو ناراحت میکرد و معمولاً هیچ کس بهش توجه نمیکنه ، توجه نکردن

تا وقتی که کنکور دادم ، پدرم هیچ وقت بهم اجازه نداد تا تو تابستون‌ها یا بقیه ایام سرکار برم چون اعتقاد داشت اگر تو سن پایین بچه از کار پول به دست بیاره شیرینی این درآمد میاد زیر زبونش و دیگه درس رو بیخیال میشه و اتفاقاً همین قضیه رو تو بعضی از همسن‌های خودم که از سن نوجونی سرکار میرفتن دیدم. به خاطر همین مثل خیلی از پدرهای دلسوز دیگه به من و برادرم میگفت نیاز نیست شما کار بکنید و هر چیزی هم که خواستید به خودم بگید ، من براتون تهیه میکنم البته این حرف رو الان هم میزنه و واقعا هم به حرفش عمل کرد، اما به هر حال من تا کنکور و هجده سالگی فقط درس خوندم و کاری انجام نداده بودم و به معنای واقعی کلمه احساس سوسول بودن میکردم، به خاطر همین خیلی دلم میخواست به کار مردونه انجام بدم تا این که تو تابستون سال نود و پنج بعد اینکه کنکور دادم عموم که جوشکار ساختمونه به خونمون زنگ زد و گفت الان دارم تو یه پروژه‌ای تو ساختمون‌های دولتی کار میکنم به خاطر همین اجازه نمیدن از کارگرهای خارجی (افغانستانی و پاکستانی) که قبلاً باهاشون کار میکردم استفاده کنیم و اگر کارگر ایرانی هم بهشون معرفی نکنم شاید کار رو بگیرن از دستم، به خاطر همین بهم گفت یه ماه بیا پیش من کار کن البته انصافاً من خیلی به خاطر این پیشنهاد خوشحال شدم چون واقعا اعتقاد دارم که کار جوهره مرد هست و دوست نداشتم وقتی وارد دانشگاه میشم خیلی نازک نارنجی باشم به خاطر همین یه دست کفش کار گرفتم و با لباس کار و البته با اشتیاق به سمت یک ماه تجربه کارگری پیش رفتم، البته به جز این مزیت، کارگری برای من دو تا مزیت دیگه هم داشت: یکی اینکه تو طول این یه ماه بدنم درست به اندازه چند سالی که میرفتم باشگاه رزمی آماده و سرزنده شده بود و اندازه بازو و پشت بازوم مثل کسی بود که شش ماهه داره دمبل میزنه؛ به جز این

## بنی آدم اعضای یک پیکرند

خوارزمی دانشگاهی که در آن اتفاقات خوب و بد بسیاری را تجربه کرده ایم و علی رغم تمام مشکلات و حاشیه های آن ، دوستش داریم .

در بیشتر موارد مشکلات برای دانشجویان است اما موردی که امروز بیان می کنیم و خواستار رسیدگی به آن هستیم حقوق کارکنان دانشگاه می باشد .

خبری که به دستمان رسید مبنی بر این موضوع می باشد که دانشگاه با پرسنل سلف قراردادی وضع کرده که در اسفند ماه سالی که گذشت به اتمام رسید ، طبق دانسته ها قرار بر تمدید این قرار داد بود که بیماری وارد کشور شد و بر تمام مشاغل تاثیر منفی گذاشت .

خوارزمی در این شرایط تصمیم گرفت که با پرسنلی که قراردادشان تمام شده بود خداحافظی کند در حالی که می توانست کمی آنان را مورد حمایت قرار دهد .

قابل قبول است که دانشگاه در شرایط بدی بود و مسئولین وقت رسیدگی به این مسئله را نداشتند اما بعد از این همه خدمت به دانشگاه ، خوارزمی می توانست کمک یا حمایت کوچکی به پرسنل خود کند.

در شرایطی که کشور با بحران بیماری رو در رو بود و تقریبا تمام کارخانه جات و شرکت ها تعطیل شده بودند مسئولین این مراکز موظف هستند که هوای کارمندان و کارگران خود را داشته باشند شاید در ماه های قرنطینه حقوق این عزیزان کم تر از همیشه بوده ولی در هر صورت این مراکز حمایت خود را دریغ نکرده و دستمزدی را به ایشان اختصاص داده اند . در خواستی که ما به نمایندگی از تمام دانشجویان خوارزمی از دانشگاه و مسئولیمان داریم این است که بتوانیم سایه ی حمایت دانشگاه را بر سر این کارکنان محترم و دوست داشتنی ببینیم از دانشگاه می خواهیم که با دادن وام یک میلیونی یا بسته حمایتی در وهله ی اول این عزیزان و در جایگاه دوم دانشجویان را خوشحال کنند .

می دانیم که این گروه از خوارزمیون نامه هایی مبنی بر درخواست حمایت به دانشگاه دادند مسئولین و بخش مربوطه چه اقداماتی می توانند برای ایشان انجام دهند ؟ در این مدت تنها راه حل شما ثبت نام در سامانه دولت برای وام یک میلیون تومانی بود حال خواستار دادن وام از طرف خود دانشگاه به کارمندان خود هستیم .

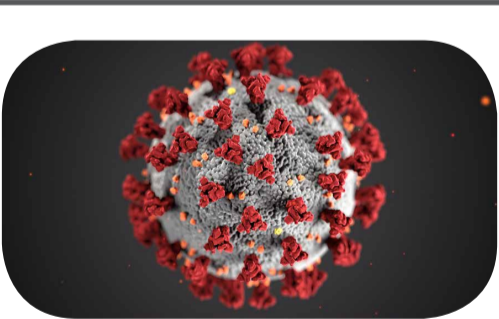
می دانیم که خوارزمی می تواند راه حل های دیگری بیابد که سختی بار بیکاری چند ماهه را از دوش این عزیزان کم تر کند .

از مسئولین دانشگاه خواهشمندیم که سریع تر به این مسئله که جز مشکلات اصلی این روز هاست رسیدگی کنند و دلجویی را فراموش نکنند

باشد که در روز های آتی خبر حمایت های بی چون و چرا و تکذیب جمله ی «خوارزمی کارکنان خود را رها کرده باشیم» باشد که رستگار شویم .

**هدیه مولاباری**

دانشجوی کارشناسی جغرافیا



## مصاحبه یا یکی از مدافعان سلامت

به نام خدا

سلام، امروز توفیق یافتیم که با یکی از مدافعان سلامت، گفتگویی داشته باشیم

– **لطفاً خودتان را معرفی کنید و در حال حاضر در کدام بخش مشغول به فعالیت هستید؟**

– به نام خدا، جواد کاکانی هستم؛ حدود پنج سال است که پرستار هستم و در بخش فوریتهای اورژانس مشغول به خدمت هستم .

– **همانطوری که شما در بخش کرونا مشغول به کار هستید و بیماران مشکوک و با حال وخیم نخست به این بخش راهی می‌شوند، فکر می‌کنید که کرونا از چه مدتی وارد کشور شده بود؟**

موفقیت، یکی از رایج‌ترین موضوعاتی است که این روزها مورد توجه اکثریت قریب به اتفاق مردم قرار گرفته است. نکته مهم این است که با وجود این که بسیاری از ما برای موفق شدن نسخه های متنوعی داریم؛ اما آن‌چنان هم موفق نیستیم! به نظر میرسد موانعی وجود دارد که باعث نرسیدن ما به این امر مهم می‌شود. دقیقاً همین مسئله باعث شد که تیمی سی نفره از دانشمندان متخصص در زمینه های مختلف که در آمریکا هستند، در دانشگاه هایی هم‌چون هاروارد، به طور تخصصی بر روی موضوع موفقیت تحقیق و بررسی انجام دهند. به عبارت دیگر، این دانشمندان کنجکاو به خود گفتند: اگر اکثر مردم برای موفق شدن روش هایی را می‌شناسند؛ پس چرا خودشان موفق نمی‌شوند؟! همین جرقه در ذهن آنها بود که دریچه های جدیدی را بر روی بشر گشود.

به نظر شما، چرا ما می‌گوییم که تقریباً تمامی افراد راه‌کارهای موفق شدن را می‌دانند؟! یا به گفته ساده‌تر، اگر کسی از شما بپرسد که چه طور می‌توان موفق شد؛ شما به او چه پیشنهادهایی خواهید کرد؟؟؟ به احتمال زیاد، به او چیزهایی مانند این خواهید گفت: یک فرد موفق، مصمم است، تنبلی نمی‌کند، عزمش را جزم می‌کند، هدفمند است و…

در حقیقت، همین موارد است که منتهی به موفقیت می‌شود، اما چرا ما با دانستن این موارد موفق نیستیم؟! در پاسخ می‌توان گفت: موفقیت، یک پازل است و صرفاً با داشتن یک قطعه از آن، نمی‌توان آن را تکمیل کرد. موفقیت، موضوعی چالش‌برانگیز است که هر کس خود را مدعی در این زمینه می‌داند و توصیه هایی عوامانه می‌کند تا به مقام و منزلتی دست پیدا کند! همان‌طور که خلاصه‌وار در بالا گفته شد؛ ما می‌دانیم چه طور باید موفق شویم، اما تقریباً هیچ‌کداممان به آن معنا که باید، موفق نیستیم. علاوه بر این، گفته شد که موفقیت یک پازل است و یک قطعه از پازل، قطعا تمام پازل نیست. پس به طور سطحی می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً ما، فقط قطعاتی از موفقیت را در دست داریم و انتظار داریم که با همین چند نکته موفق شویم.

بدیهی است که موضوعی چنین عمیق، زوایای پیدا و پنهانی دارد که هرکدام در جای خود درخور توجه است. در این مطلب نسبتاً کوتاه، سعی می‌کنیم تا با هم، یکی از تکنیک های موفقیت را فرا بگیریم و روشن است که تکنیک، برای انجام دادن است و بدون عمل، نتیجه ای حاصل نخواهد شد. تکنیک های

بسیار زیادی وجود دارد که همان قطعات دیگر پازل موفقیت ما هستند. در پایان، منبعی را برای علاقه‌مندان معرفی می‌کنم تا بتوانند در این زمینه به طور علمی و به دور از هرگونه مطالب زرد، اطلاعاتی را کسب کنند. در نهایت، با یادگیری این تکنیک ها و به‌کارگیری هرکدام در شرایط خاص خود، موفقیت حاصل می‌گردد که گستردگی دامنه آن در زندگی شما، به پایبند بودن شما در عمل به این تکنیک ها وابستگی تام دارد. به‌عنوان نکته آخر این را هم بگویم که این مسئله، پیش‌نیازهای متعددی دارد که برای رعایت اختصار، از بیان آنها خودداری کردیم. با مراجعه به منبع مذکور در پایان همین نوشته، به تمامی مطالب در این زمینه دست خواهید یافت.

**تکنیک شرطی‌سازی:**

احتمالاً اکثر ما، به دلایل مختلف با مسئله شرطی‌سازی آشنایی داریم. همان‌طور که از اسم آن مشخص است؛ شرطی‌سازی یعنی شرطی شدن یک موجود زنده به موردی خاص. به‌طور دقیق‌تر، وقتی موجودی شرطی می‌شود؛ در موقعیت خاصی واکنشی مشخص را بروز می‌دهد. برخلاف تمامی دروس که در دانشگاه خوانده‌ایم؛ در این مطلب سعی می‌کنیم تا با استفاده از این تکنیک، در مسیر موفقیت گام برداریم.

از طرفی، بدیهی است که ذهن انسان اهداف کوتاه‌مدت را به اهداف بلندمدت اولویت می‌دهد. یعنی، اگر به ما بگویند: امروز بیا و از من ۱ میلیون بگیر، ذهن آن را بیشتر می‌پذیرد تا این که به ما گفته شود: ۱۰ سال دیگر بیا و ۱۰ میلیون از من بگیر! با توجه به دو بند کوتاه بالا، ما می‌خواهیم عادات چند ساله بد خود را با این روش کنار بگذاریم و عادات خوب ضعیف خود را تقویت کنیم. البته فراموش نشود که این فقط یک قطعه از پازل موفقیت است و قطعات دیگر نیز باید در جای خود قرار گیرند تا ما به موفقیت برسیم. در هر حال، ما می‌خواهیم با شرطی‌سازی شخصیت و رفتار خودمان را بهبود ببخشیم یعنی، یا ویژگی ها، رفتارها و عادات بد را ترک کنیم یا ویژگی ها، رفتارها و عادات خوب را در خودمان ایجاد کنیم.

ابتدا باید ویژگی مورد نظر را انتخاب کنیم. مثلاً بگوییم: من زیاد می‌خوایم. پس در اینجا ما می‌خواهیم یک صفت بد را از بین ببریم. دقت کنید که برای ایجاد یک عادت خوب یا برای از بین بردن یک عادت بد در روش شرطی‌سازی، باید سه مرحله را اجرا کنیم: شرط‌گذاری، مراقبت، محاسبه.

در مرحله اول، صبح که از خواب بلندی‌شویم باید با خود و



## مصمم باش، موفق باش!

خدای خود شرط کنیم که من فقط برای یک روز می‌خواهم فلان کار را بکنم یا برای یک روز فقط می‌خواهم فلان کار را نکنم. دقت کنید که ذهن هوشمند است و نباید چیزی بگویید که برایش قابل باور نباشد. مثلاً اگر زیاد دروغ می‌گویید؛ نگویید که امروز نمی‌خواهم اصلاً دروغ بگویم بلکه بگویید: امروز می‌خواهم کم‌تر دروغ بگویم. پس اول با خودمان در رابطه با کاری شرط می‌گذاریم.

در مرحله دوم یعنی مراقبت، باید مراقب آن عملمان باشیم و سعی کنیم که فقط برای یک روز آن را زیر نظر داشته باشیم تا خراب‌کاری نکنیم! در قدم اول باید مراقب باشیم که اشتباه نکنیم و در قدم دوم اگر اشتباه کردیم؛ باید فوراً از ادامه دادن به آن اجتناب کنیم. دقیقاً مانند کسی که زمین می‌خورد و بلند می‌شود.

در مرحله سوم یعنی محاسبه، در پایان شب باید به حساب خودمان رسیدگی کنیم و به خودمان نمره بدهیم و آن را یادداشت کنیم و ببینیم که به مدت یک روز چه قدر موفق بوده ایم. اگر موفق بودیم؛ باید به خودمان احسنت بگوییم و البته نباید مغرور شویم چرا که بعد از مغرور شدن، روز بعد بدترین عملکرد را خواهیم داشت. اگر هم ضعیف بودیم طبیعتاً ناراحت می‌شویم و تلاش می‌کنیم تا روز به روز اشتباهاتمان را کاهش دهیم.

توجه داشته باشید که در رابطه با انجام این تکنیک، باید تا زمانی این کار را انجام بدهید که یک عادت خوب در شما تثبیت شود یا یک عادت بد کاملاً از شما دور بشود. این نکته که برخی بازاریبان می‌گویند: فلان کار را ۲۱ روز انجام بده و مانند آن، هیچ‌گونه سند علمی ندارد و منشأ آن، یکی از سخنرانی های آنتونی رابینز است که از عدد ۲۱ استفاده کرد. سوء استفاده‌کنندگان از اعداد به این شکل بهره بردند و مسائل نامربوط را با مسائل علمی مخلوط کردند.

برای یادگیری تکنیک های موفقیت، می‌توانید از سخنرانی های دکتر شاهین فرهنگ با موضوع «تکنیک های موفقیت» استفاده کنید که حدوداً ۷۰ ساعت به ارائه راه‌کارهای عملی می‌پردازد. طبیعتاً با شناخت این تکنیک ها، چیزی به دست نمی‌آورد و عمل به این تکنیک ها، مسیر جدیدی را در مقابل شما قرار خواهد داد ان شاء الله.

**حسین امیدی**

دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

شیلد صورت به ما می‌دهند که مصرف یک شیفٲ کاری است.
–اگر دقیق به خاطر داشته باشیم در اوایل شیوع بیماری کرونا، ایران بعد از چین جزء نخستین رده‌های ابتلا و مرگ و میر ناشی از کرونا بود، فکر می‌کنید چه شد که ایران تا این حد در کنترل کرونا موفق عمل کرده است؟

– خوشبختانه مردم شریف ایران نکات بهداشتی را رعایت کردند، با قرنطینه‌ی خانگی، عدم مراجعه به بیمارستان در مواقع غیر ضروری، ضد عفونی و شستن دست ها و… البته اگر شهر ها قرنطینه می‌شد شاید در مهار این بیماری موفق‌تر بودیم.

– دراین باب نکته‌ی خاصی مد نظر دارید؟

– از مردم می‌خواهم که در این برهه‌ی زمانی همچنان نکات بهداشتی را رعایت کنند چون این بیماری در نظر مردم تقریباً عادی شده ولی همچنان بیماری خطرناکی است.

– از حوزه فعالیت خود راضی هستید؟

– بالاخره کمی و کاستی هایی هست اما خدارا شاکریم.

– وضعیت استخدامی شما چگونه است؟

– من شر کتی هستم.

– استخدام شر کتی به چه نحو است؟

– خب اول حقوق ما از طرف دانشگاه به حساب شرکت ریخته می‌شود و طرف حساب ما با شرکت است که به تبع حقوق ما به موقع پرداخت نمی‌شود و سازمان پاسخگویی که مسئول رفع این مشکل باشد نیست.

– از نظر بنده و بسیاری از دوستان، با توجه به زحمتی

که پرستاران می‌کشند، متأسفانه از حقوق و مزایای استحقاقی خود بهره‌مند نیستند و میان پزشکی و پرستار اختلاف حقوقی زیادی وجود دارد، شما موافق هستید؟ و فکر میکنید مشکل از کجاست؟

– بله، حقیقتاً کادر درمان و سلامت همگی زحمت می‌کشند اما تبعیض زیاد هست، البته ما نمی‌توانیم که پزشکان را مقصر جلوه دهیم، مشکل از قانون ها و قانون گذارها است؛ ان شاء الله که یک روزی این قوانین غلط اصلاح شود، به هر حال پرستاران و بهیاران در معرض مستقیم این بیماری هستند و این تقسیم بندی حقوق و مزایا عادلانه نیست، البته دوستان زحمت خود را می‌کشند و گاهی، وقت یک لیوان آب خوردن هم پیدا نمی‌شود البته این مشکلات خدای ناکرده باعث نمی‌شود که کم‌کاری صورت گیرد و ما به عشق مردم مشغول به کار هستیم.

از وقتی که در اختیار ما قرار دادید ممنونیم.

**گردآورنده: محمد مهدی خداوردی**

کارشناسی زیست فناوری / دبیرنشریه

